

## گفتگوهای گزارشگران بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن - سحر صبا: فعال کارگری



جنبش زنان مانند هر جنبش اجتماعی دیگر از طیفها و افشار و گرایشات متفاوت تشکیل شده است. در آن دیدگاهها و بخشی نابرابری زنان را فقط در جنسیت تعریف میکنند و علت آن نگرشهای متفاوتی نسبت به رهایی زن وجود دارد این نگرش در جنبش زنان چه در سطح را نابرابری حقوقی و فرهنگی میدانند، و جنبه طبقاتی آن را نادیده میگیرند جهان و چه ایران متحقق شدن خواستهای حقوقی زنان را در گرو از بین بردن برتری جنس مرد بر زن ملاک قرار بهر رو جنبش جهانی زنان یکدست نیست بخشی از این جنبش به دلیل عدم آگاهی و برخی به دلیل انطباق منافع میدهد طبقاتی با منافع طبقه حاکم و اصولا خاستگاه طبقاتی خواستار احیای حقوق کامل زنان در چارچوب سیستم سرمایه داری کنونی هستند.

\*\*\*\*\*

با تشکر از اینکه این وقت در اختیار من گذاشته شده است.

۸ مارس امسال را به تمام زنان و مردان کارگر و آزادیخواه بویژه زنان و دختران مبارز خیابان انقلاب که با جسارت در مقابل سرکوبهای ارتجاع هر روز در صحنه مبارزه اند، شادباش می گویم. به امید اینکه در آینده ای نه چندان دور شاهد متشکل شدن جنبش زنان و متحد شدنش با جنبش کارگری باشیم.

گزارشگران:

### 1 - چه تعریف مشخصی از روز جهانی زن دارید؟

۸ مارس روز جهانی زن حلقه ای از زنجیره نیرومند جنبش کارگری زنان است. روز جهانی زن، روزی است که در نتیجه مبارزات و فداکاری زنان مبارز در طول تاریخ شکل گرفت و به تثبیت رسید. از تظاهرات کارگران زن نساجی های شهر نیویورک که بخاطر افزایش دستمزدها و شرایط نامناسب محیط کارشان به اعتراض برخاستند و بدست پلیس به خاک و خون کشیده شدند، تا از مبارزات فداکارانه زنان جهان در مراحل مختلف تاریخی برای کسب حق رأی و حقوق برابر اجتماعی گرفته همه در بوجود آمدن این روز جهانی نقش تعیین کننده داشته اند. تاثیر این روز و نقش بلا منازع آن در به حرکت درآوردن و به میدان کشیدن موج عظیم جنبش زنان همچنین تا به امروز ادامه دارد.

گزارشگران:

2. شما جنبش زنان را چگونه تعریف می کنید و فکر می کنید چه افشار و طیف هایی از جامعه کشور ما را شامل میشود؟

جنبش زنان مانند هر جنبش اجتماعی دیگر از طیفها و اقلشار و گرایشات متفاوت تشکیل شده است. در آن دیدگاهها و نگرشهای متفاوتی نسبت به رهایی زن وجود دارد. بخشی نابرابری زنان را فقط در جنسیت تعریف میکنند و علت آن را نابرابری حقوقی و فرهنگی میدانند، و جنبه طبقاتی آن را نادیده میگیرند. این نگرش در جنبش زنان چه در سطح جهان و چه ایران متحقق شدن خواستهای حقوقی زنان را در گرو از بین بردن برتری جنس مرد بر زن ملاک قرار میدهد. بهر رو جنبش جهانی زنان یکدست نیست بخشی از این جنبش به دلیل عدم آگاهی و برخی به دلیل انطباق منافع طبقاتی با منافع طبقه حاکم و اصولاً خاستگاه طبقاتی خواستار احیای حقوق کامل زنان در چارچوب سیستم سرمایه داری کنونی هستند.

از نظر تاریخی منشاء شکل گیری جنبش زنان بیشتر تحت تاثیر خواستهای جنبش بورژوائی زنان بوده است. مدافعان بورژوائی حقوق زنان در ایران تحت یک گرایش قوی در جنبش زنان تنها یک بخش از خواسته ها و مبارزات زنان را آن هم به شکل یک جانبه و نه به صورت بنیادی مطرح می کنند. آنان با مبارزه برای رفع نابرابری اقتصادی و اجتماعی زن و مرد کاری ندارند و صرفاً خواستار نوعی «برابری حقوقی» بین زن و مردند: آنها بر این عقیده اند در چارچوب قانون اساسی، قانون مدنی و قانون کار جمهوری اسلامی بتوان به اصلاحاتی دست یافت. در پاسخ به سوالات بعدی من سعی میکنم بیشتر به این نکات بپردازم.

### گزارشگران:

### 3. آیا زنان با رفع ستم جنسیتی خواهند توانست به برابری کامل دست یابند؟

قطعاً نه. برخلاف این شناخت علمی که با عمل و تجربه به اثبات رسیده است، جنبش بورژوائی زنان حوزه

مبارزاتی خود را برای رهایی زنان به مبارزه با امتیازات و قدرت مرد در خانواده، دولت و جامعه

محدود می کند. این محدودیت، ویژگی بین المللی جنبش بورژوائی زنان است. ویژگی جنبش بورژوائی زنان در این است که مدافعان آن، مسئله رهایی زن را در رابطه همه جانبه اجتماعی در نظر نگرفته، بلکه بیشتر آن را در حیطه علائق جامعه بورژوائی مد نظر قرار می دهند.

که البته این گمان غیر واقعی است زیرا مبارزه علیه ستم جنسیتی و علیه ستم طبقاتی سرمایه داری جهانی لازم و ملزوم یکدیگرند. نگرش فوق با توجه به فرهنگ طبقه حاکم است که متأسفانه همیشه فرهنگ حاکم بر جامعه بوده و رسانه های سرمایه داری در لاپوشانی کردن علت اصلی بی حقوق زنان، همواره سعی در ترویج آن را دارند.

بطور کلی مبارزات زنان برای رفع ستم جنسیتی، ماهیتی کاملاً ضد سرمایه داری را دارد و در پیوندی گسست ناپذیر با مبارزات کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان است. زیرا بدون محو مالکیت خصوصی، ماهیت زن به عنوان یک کالا نیز از بین نخواهد رفت. برابری کامل زن و مرد مستلزم از بین رفتن نظام طبقاتی حاکم و نوع تقسیم کار کنونی که وظایف مجزایی در تولید اجتماعی بر عهده دو جنس زن و مرد گذاشته و جایگزین کردن آن با سیستمی بدون هر نوع تقسیم کار اجتماعی و جنسیتی می باشد.

وقتی از ستم جنسیتی زنان سخن می آید در واقع سخن از خواستهای حقوقی زنان است که از این نظر با مردان در جامعه برابر نیستند. این خواستها را در جوامع پیشرفته صنعتی تا حدودی زنان کسب نموده اند، بویژه این خواستهای اصلی جنبش بورژوائی زنان است، که در چهارچوب نظام سرمایه داری برایش مبارزه شده است. می توان مواردی از این خواستها را نام برد از جمله: حق برابر برای جدائی، ازدواج و طلاق، حق سرپرستی فرزندان برای زن و مرد، اختیار آزادانه زن بر اموال، درآمد ها و مزد خود، تضمین آزادیهای آموزشی و شغلی و حق برابر فعالیت و آزادی شغل زنان و مردان در تمام عرصه های زندگی اجتماعی و برابری کامل سیاسی در دولت و ارگان های آن و غیره. مسلماً خواستهای حقوقی زنان برای زنان کارگر و نیز برای زنان شاغل بسیار با ارزش هستند و این واقعیتی است که رفرمها از هر گونه و نوعی با شند قدمی رو بجلو برای تقویت جنبش زنان اند. ارزش و اهمیت اصلاحات- بردگی جنسی زنان را کاهش خواهد داد، اما آنها به خودی خود نمی توانند تغییری پایه ای در شرایط اجتماعی و اقتصادی زنان بوجود آورند. امروزه هر رفرمی در جامعه ایران بتواند به میزانی تغییراتی حقوقی در وضعیت زنان بوجود آورد قطعاً از آن استقبال خواهد شد، اما بورژوازی ایران حتی در ایده آل ترین شکل و در کامل ترین پلاتفرمش قادر به چنین کاری نیست به این دلیل که تضمین چنین حقوقی در ایران بدون تحول در بنیاد های اقتصادی و اجتماعی میسر نیست. بورژوازی خودش امروز، برای تامین سودآوری اش به تحقق نیافتن این حقوق مدنی و بورژوائی کمک می کند و حتی در احیای سنت های ماقبل سرمایه داری نقش ایفاء میکند.

## گزارشگران:

### 4. منشاء ستم طبقاتی زنان را چگونه توضیح دهید و چه تفاوتی بین ستم جنسی و طبقاتی است؟

عامل اساسی منشاء ستم طبقاتی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید در نظام سرمایه داری میباشد. بخش وسیعی از زنان که متعلق به طبقه کارگر هستند، برای دست یافتن به پیروزی نهایی و برابری کامل زن و مرد باید خواهان تغییر مناسبات سرمایه داری حاکم باشند. این تغییر و دگرگونی مستلزم این است که مالکیت جمعی جایگزین مالکیت خصوصی گردد، و به هر نوع تقسیم کار اجتماعی و جنسیتی پایان داده شود. تنها برپایه تحول اقتصاد است که فرم زندگی برتر و نوین اجتماعی می تواند توسعه یابد و مجموعه آزادی های مسلم زنان برای حرکت و تکامل به درجه کامل انسانی تضمین شود.

بنظرم در رابطه با ستم جنسیتی لازم است توضیح بیشتری داده شود امروزه نظرات غالب در جنبش زنان بیشتر در سمت و سوی رفع ستم جنسیتی خود را بروز میدهد و سعی بر این است که اساس بردگی و ستم مضاعفی که بر زنان روا شده و ریشه طبقاتی دارد کم رنگ شده و تا حدودی هم این جنبش اجتماعی را به کجراهه بکشاند. البته بورژوازی هم سعی میکند جنبه طبقاتی نابرابری زنان را نادیده گرفته و آن را به ستم جنسیتی تقلیل دهد. بنا بر علم مارکسیسم که تنها علمی است که رهایی بشر را تضمین میکند، فقط و فقط سازماندهی انقلابی طبقاتی همه استنمار شونندگان بدون در نظر گرفتن جنسیت آنان است که باعث تحقق این هدف می شود و نه مبارزه زنان به ضد سلطه گری مردان، بدون در نظر گرفتن تمایز طبقاتی آن. مدافعان برابری حقوقی زنان از مبارزه طبقاتی اکثریت قریب به اتفاق زنان چشم می پوشند. بعلاوه آنان اساساً مبارزه طبقاتی ای را که باید قاطعانه توسط طبقات استنمار شونده به طبقه حاکم و استنمار شونندگان اعمال گردد، را رد میکنند. طرفداران رفع ستم جنسیتی که طیف وسیعی از فمینیستها را در جنبش زنان چه در سطح جهان و حدوداً در سطح ایران را تشکیل میدهند بر این تلاش اند که در جامعه بورژوائی جنس زن را از طریق اصلاحات حقوقی و اجتماعی از قید امتیازات مرد رها سازند بخش وسیعی از مدافعان حقوق زن، که فقط خواهان اصلاحات حقوقی هستند، امروزه در مقابل مبارزه بنیادی در جهت انقلاب سوسیالیستی که تنها انقلابی برای رهایی طبقه کارگر و زنان میباشد نه به صورت حتی بیطرفانه، بلکه با دشمنی آشکار ایستاده اند.

## گزارشگران:

### 5. آیا جنبش زنان به عنوان یک جنبش اجتماعی خواهد توانست به نابرابری زنان در جامعه خاتمه بدهد؟

جنبش زنان به عنوان یک جنبش اجتماعی مانند هر جنبش اجتماعی دیگر از گرایشهای مختلف تشکیل شده است و در ضمن اقشار و طبقاتی مختلف درون این جنبش به طبقات مختلف اجتماعی تعلق دارند. بخشی از این جنبش شامل زنان کارگر میشود و بخش دیگر با تمایلات رفرمیستی که بیشتر با خواسته ها و اصلاحاتی در مناسبات بورژوائی خود را تعریف میکنند همانطور که در پاسخ به سوالات بالا اشاره نمودم بیشتر خواهان رفع ستم جنسیتی هستند. بخشی از زنان کارگر که جزء جنبش زنان و جنبش کارگری هستند به عنوان حلقه واسطه بین دو جنبش اجتماعی کارگری و زنان می توانند نقش مهمی در تشکیلیابی و متحد نمودن جنبش زنان و جنبش کارگری ایفاء نمایند. تنها طبقه کارگر به میدان آمده با آفتی که جلو رو دارد می تواند به نابرابری زنان خاتمه دهد.

## گزارشگران:

### 6. وضعیت زنان کارگر تحت تاثیر بحرانهای اخیر چه در سطح جهانی و چه ایران دستخوش چه تغییراتی شده است؟

بحران اقتصادی سرمایه سبب خانه خرابی کل کارگران و زحمتکشان و توده های تهیدست میشود اما آسیب پذیری زنان کارگر در رابطه با این بحرانها بسیار سریعتر انجام می گیرد و از درصد بالایی برخوردار است. به این دلیل آنها اولین قربانیانی هستند که شغل های خود را از دست میدهند و بیکارسازیها در سطح وسیعی متوجه آنها میشود. نهایتاً موفق شوند به مشاغل کوتاه مدت و کم بها، قراردادهای موقت و پاره وقت دست یابند. این بحرانها از طرف دیگر تبعیضات و شکافهای جنسیتی زنان را عمیق تر می کند.

می دانیم که استفاده از زنان به عنوان ارتش ذخیره کار همیشه در دستور کار سرمایه بوده است و مسئله جدیدی نیست. با یک نگاه به گذشته و بحرانهای قبلی، در بحران بزرگ دهه سی در آمریکا وقتی خواستند به خانه فرستادن زنان را قانونی کنند از طرف کارفرمایان با مخالفت روبرو شد، زیرا آنها نمی خواستند این موهبت نیروی کار ارزان را از دست بدهند.

بدنبال بحران 2008 و در اوضاع و احوال کنونی، با توجه به شرایط فلاکت بار اقتصادی، روز به روز زنان بیشتری با دستمزدهای ناچیز و بدون هیچ قراردادی در دستورانها، منازل، مزارع، مهد کودکها، مطبها، فروشگاهها، آرایشگاهها، کارگاههای کوچک و خانگی و مراکزی از این دست مشغول به کار می شوند. علاوه بر آن به طور رایگان در خانههای خود به کار خانگی مشغولند.

واقعیت این است که بازار کار در هیچ جا از تقسیمات جنسی بی نصیب نیست. علاوه بر همان تبعیض جنسی ازلی بازار کار سرمایه داری که مبنایش **مزد نابرابر برای کار برابر** و دارا بودن ارتش ذخیره کار که با تراکم زنان همراه است، شامل مشاغلی میشود که به مهارت کمتری نیاز دارند و دستمزدشان کمتر است و بی ثبات اند. این تقسیم جنسی کار، منشا آن هر چه باشد، در همه جا مثل هم عمل می کند. در پی بحران اخیر همچنانکه انتظار می رفت در بخش هایی که عدم ثبات و ناامنی شغلی موجود است به این نتیجه میرسیم که موقعیت ناامن شاغلین را باز هم ناامن تر می کنند و رقابت میان آن ها را افزایش و دستمزدهای واقعی شان را کاهش می دهند؛ و زنان کارگر هم که عمدتاً در این بخش ها متمرکز ترند و درصد قابل توجهی را شامل میشوند به این ترتیب مستقیماً از بحران جاری آسیب می بینند. از سوی دیگر به علت کاسته شدن خدمات عمومی پیش از همه زنان را که بار عمده کار خانگی و نگهداری از فرزند را بر دوش دارند تحت فشار قرار میدهد. کاهش باز هم بیشتر هزینه های عمومی که به شکلی پیش رونده از دهه هشتاد به این سو در جریان بوده به شکل محسوسی در طول این یک دهه تا کنون به شکل چشمگیری از آن کاسته شده، از قبیل بیمه ها و خدمات درمانی. سیاست نولیبرالی و کاهش هزینه ها، که همه دولت ها بدون استثناء آن را در دستور کار خود گذاشته اند. از جمله تغییر دادن سن بازنشستگی و کاهش میزان دریافتی آن. زنان شاغل حقوق بگیر به دلیل مسئولیتهای خانوادگی و سرپرستی کودکان سابقه کارشان عموماً بطور متدوام نیست و مجبورند در مقاطعی از کار مرخصی بگیرند و این واقعیت تا حدودی در روند محاسباتی سن بازنشستگی آنان تاثیر می گذارد، با این بحران کنونی و تعرض سرمایه به مزایا و هزینه های عمومی حالا این مقدار هم از بین خواهد رفت و شمار کثیری از زنان زحمتکش برای دریافت مستمری ناچیز بازنشستگی ا شان در آینده نباید منتظر بازنشستگی در سنین تعیین شده باشند.

در کشورهای پیشرفته سرمایه داری که اشتغال زنان در بازار کار درصد بالاتری نسبت به کشورهای در حال توسعه را شامل میشود علیرغم تبعیضاتی که متوجه آنها است، به دلیل دارا بودن تشکل، قوانین حمایتی، تغییر و تحولاتی که در دوران بحران و رکود صورت می گیرد پیامدهای تخریب کننده اجتماعی زنان بمراتب کمتر از کشورهای جهان سوم است.

در کشوری مثل ایران تاثیرات هر بحران و رکود تازه ای که فرا رسد برای زن کارگر و زحمتکش تاثیر مخرب آنچنانی نخواهد داشت، به این دلیل که حضور رسمی زنان در بازار کار درصد ناچیزی را رقم میزند، و هم موقعیت زنان مزد بگیر، که درصد قابل توجهی از آنان از شمول قانون کار نیز خارج هستند یا در خانه کارهای قطعه کاری و سفارشی را انجام میدهند، هم نظام حاکم با ضد زن بودنش و اجرای قوانین ارتجاعی زن را نصف مرد شمردن و با تبلیغ آن در سطح ایران و جهان زن ستیزی خود را به نمایش گذاشته است. در این شکی نیست که با وخیم تر شدن بحرانهای اقتصادی فاصله طبقاتی و جنسیتی عمیق تر می گردد.

اکنون مشاهده می کنیم که پیامدهای بحران جهانی زنان کارگر و خانواده های آنها را با بحران شدید اقتصادی و سیاسی مواجه نموده، که نظام حاکم بر آن را به چالش گرفته و جامعه را دستخوش اعتراضات توده ای و پذیرای تحول کرده است. به این معنی عواقب بحران جهانی مجموعه بحران های موجود در ایران و امکان تحولات آتی را تشدید و تعمیق می کند، و از این حیث بر وضعیت زنان کارگر و زحمتکش نیز تاثیر گذاشته و زمینه مبارزاتی را برای متشکل شدن قوی خواهد نمود.

**گزارشگران:**

**7. آیا مقوله جنبش زنان را طبقاتی می بینید؟ اگر آنرا طبقاتی ارزیابی میکنید، چه تفاوتی بین جنبش زنان و جنبش زنان کارگر موجود است؟**

قطعا مقوله جنبش زنان شکل طبقاتی دارد. زنان نیمی از جمعیت هر جامعه ای هستند و یکی از مهمترین و بزرگترین جنبشهای اجتماعی را شامل میشوند. از آنجائیکه در سواالات بالا تلاش نمودم فرق بین جنبش زنان و جنبش زنان کارگر را توضیح دهم، اینجا باز هم تفاوتها را بار دیگر بیان میکنم. جنبش زنان یک جنبش اجتماعی است با گرایشهای مختلف که تمام طیف و اقشار زنان را از طبقات مختلف در بر میگیرد، با توجه به این که بخشی از جنبش زنان - زنان کارگری هستند که هم به جنبش زنان تعلق دارند هم به جنبش کارگری. این بخش از جنبش زنان کارگر نقش کلیدی در متحد نمودن جنبش زنان و جنبش کارگری دارند. تفاوت دیگری که بین جنبش زنان و جنبش زنان کارگر وجود دارد این است که مبارزه برای خواسته ها و مطالبات زنان در جنبش زنان ممکن است به مبارزه برای ستم جنسیتی محدود شود یا فرض کنیم به نوعی فراتر رفته و ستم طبقاتی را مد نظر قرار دهد، اما جنبش زنان کارگر تضمین کننده مبارزه طبقاتی در همسویی با جنبش کارگری برای رفع ستم جنسیتی و طبقاتی و رهایی کامل زنان از یوغ بردگی نظام سرمایه داری و برپائی سوسیالیسم است.

اینجا لازم است نکته ای را ذکر کنم که سبب سوء تفاهم نشود. بطور یقین زنان کارگر نیز خواستار خواسته های حقوقی و مدنی هستند از جمله: حق حضانت فرزندان، آزادی پوشش، ارث برابر و تضمین آزادی های آموزشی و شغلی و برابری کامل سیاسی در ارگانهای دولتی برای زن و مرد و غیره... اما واقعیت اینست که هر خواسته اصلاح طلبانه، تنها در صورتی همراه با دیدگاه طبقاتی باشد و در چارچوب خواسته های قانونی بورژوازی باقی نماند و در هر قدم علل و ریشه های ستم بر زنان را افشا نماید خواهد توانست گامی اساسی در جهت بر آوردن خواستها و گامی بسوی رهایی زنان باشد. جنبش زنان یک پدیده جدید نیست، جنبشی واقعی برخاسته ای است که به قدمت قرنهای ستم و استثمار زنان اعتبار دارد و ساخته و پرداخته ذهن شخصی یا گروه خاصی نیست. این جنبش در هر دوره بر بستر جنبشهای اجتماعی رشد کرده و خواسته های خود را در همان چارچوب مطرح کرده و تا جاییکه که شرایط اجتماعی و مناسبات تولیدی در هر دوره اجازه می دهد توانسته است مطالبات خود را مطرح کند. انقلابهای بورژوا دموکراتیک اگر چه برای زنان دستاوردهایی با ارزشی بهمراه داشته اند اما تاکنون نتوانسته اند جوابگوی همه خواسته های زنان و رسیدن به برابری کامل و کسب حقوق انسانی باشند.

گزارشگران:

## 8. شما نظرتان درباره متشکل شدن زنان بطور عام و زنان کارگر بطور خاص چیست؟

زمانیکه ما از جنبش زنان یا جنبش زنان کارگر به عنوان یک جنبش اجتماعی سخن می آوریم قطعا نیاز به متشکل شدن دارد. در جنبش زنان هر خواسته و مطالبه ای که زنان مطرح نمایند برای متحقق شدن آن نیاز مبرم به متشکل شدن دارند. اعتراضات پراکنده و خودبخودی زنان اگر نتوانند در دراز مدت حول آن متشکل شوند، نه تنها براحتی سرکوب خواهند شد و برای متحقق نمودن آن هم نمی توان به مبارزه ادامه داد.

اما تا جائیکه به تشکل یابی زنان کارگر بر میگردد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چرا که این تشکلهای مشترک ما بین تشکل توده ای کارگری و تشکل توده ای زنان اند، ابزارهایی هستند که دو جنبش بزرگ اجتماعی یعنی جنبش کارگری و جنبش زنان را بهم متصل می کند.

وقتی از تشکل های زنان کارگر صحبت به میان می آید موضوع تنها مربوط به کارگران زن شاغل نیست بلکه زنان بیکار طبقه کارگر و زنان خانه دار خانواده های کارگری را هم شامل می شود. به همین دلیل به نظرم وقتی صحبت از تشکل زنان کارگر است بهتر است از دو دسته تشکل صحبت کرد. تشکل زنان شاغل در محیط کار و تشکل زنان خانواده های کارگری و زحمتکش در محیط زندگی، و مجموعه این دو است که تشکل کارگری زنان، یا تشکل اجتماعی زنان را می سازد. (بعنوان مثال سندیکای شرکت واحد در گذشته و سندیکای نیشکر هفت تپه که اخیرا در اعتصابند زنان کارگر و خانواده های کارگری در این اعتراضات و اعتصابات نقش بر جسته ای ایفا نموده اند و هنوز هم این مبارزه ادامه دارد).

از طرف دیگر تشکل زنان کارگر بخشی از تشکل های توده ای کارگری است؛ پروسه تشکل یابی کارگران زن بخشی از روند متشکل شدن کارگران در ایران است و زمانی می توان مدعی انسجام و تقویت درونی جنبش کارگری شد که زنان طبقه کارگر در آن شرکت فعال و همه جانبه داشته باشند.

وقتی از این سخن می‌رانیم که زن کارگر بیشتر در کارهای موقت مشغول است و هر آن در معرض بیکاری است. وقتی پای پدیده بیکاری در میان زنان کارگر در میان است خود بخود زنان بی‌شغل طبقه کارگر در تشکل زنان کارگر جای دارند. زن کارگر هم وقتی در کارخانه و کارگاه و یا در خانه خودش، با کار مقاطعه‌ای، استنثار می‌شود و ارزش اضافه تولید می‌کند زن کارگر است و هم وقتی شبانه روز در کنج خانه مشغول کارهای خانگی و سرویس دادن است جز تولیدکنندگان است و ارزش اضافه تولید می‌کند. خلاصه کلام زن خانواده کارگری شاغل باشد یا نباشد جزو دسته بندی‌های ماست. و به همین معنا زن خانه دار خانواده زحمتکش هم که عمرش را در کنج خانه و در خدمت همسر و فرزندان با کار نابودکننده خانگی می‌گذراند تشکل لازم دارد. به همین دلیل فکر می‌کنم نیاز زنان کارگر به دو دسته تشکل است. هم تشکلی که در محیط کار که جو ابگوی مسائل شغلی اشان باشد و هم تشکلی که همراه زنان خانواده‌های کارگری و زحمتکش در محلات و بین خانواده‌های کارگری (مثال: اعتراضاتی که در محلات پایین شهر بر سر آب، برق و درگیریهایی که با شهرداری پیدا می‌کنند).

بدون هیچ تردیدی تشکل کارگران زن در محل کار امری مربوط به جنبش کارگری است. یعنی اینکه این تشکلهای بطور مستقل بوجود بیایند، در حد یک کمیته یا محفل در یک تشکل عمومی کارگری ظاهر شوند؛ پیش از تشکل عمومی بوجود بیایند یا بعد از آن و یا همزمان، همه جزء جدایی‌ناپذیر تشکل سازی طبقه کارگر است و مسائل آن هم در روند این تشکل سازی قرار می‌گیرد.

آن چه که ما طی چند سال گذشته در جنبش کارگری در ایران مشاهده کرده ایم نقش زنان خانواده‌های کارگری در عرصه‌های مبارزاتی و اعتراضی همراه همسرانشان میباشد. اما شرکت فعال زنان کارگر، به عنوان تحت ستم ترین بخش طبقه کارگر - و همچنین در میان زنان - در جهت تغییر عینی شرایط اجتماعی شان و همچنین برای تقویت هویت طبقاتی شان، در جنبش کارگری ضروری است. این شرکت نیاز به تشکل دارد و به این ترتیب سبب اعتماد به نفس و فعال شدن آنها در طرح ابتکارات و راه حل برای پیشبرد مبارزه و کار جمعی اشان میشود.

## گزارشگران:

**9. ما شاهد بودیم که در چند ماه گذشته خیزش مردمی در جریان بود که هنوز کماکان ادامه دارد زنان بطور وسیعی در این اعتراضات شرکت نموده اند شما این حرکتها را چگونه ارزیابی میکنید؟ تعدادی از دختران جوان حجاب خود را به عنوان اعتراض از سر بر گرفتند و این حرکت مبارزه زنان و دختران خیابان انقلاب نام گرفته است شما نظرتان درباره این حرکت چیست؟**

جنبش زنان محصول تحركات وسیعی از زنان در طول بیش از چهار دهه یعنی از مقطع انقلاب 57 تا کنون میباشد، که زنان را در تجمعات وسیع به خیابانها به مبارزه دسته جمعی کشانده است. زنان در این مبارزه خستگی ناپذیر در طول این سالها رژیم استبداد اسلامی برای احقاق حقوق خود را به چالش کشیده اند. در جریان این مبارزه نسل جدیدی پا به میدان گذاشته که انقلاب را ندیده و تجربه نکرده است، اما به یمن سواد و فرهنگ سیاسی و بالا رفتن سطح آگاهی، و از همه مهمتر ظلم و ستم بی حد و حصری که به دلیل جنس زن بودن بر آنها روا شده است، از تلاش مداوم و مبارزه برای برابری حقوق فردی و جایگاه اجتماعی خود و کسب آزادی لحظه ای از پای ننشسته است.

اینکه ایران آبستن حوادث است شکی در این نیست، ما تنها شاهد اعتراض و مبارزه دختران انقلاب نیستیم. علیرغم تهدید و بازداشت جمعی از فعالین کارگری، موج اعتصابات و اعتراضات کارگری در نقاط مختلف کشور ادامه دارد و در حال پیشروی است. در کلیت جنبشهای اجتماعی هر کدام با خواسته و مطالبات خود در میدان مبارزه هستند. ما شاهد اعتصاب کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در چهاردهمین روز اعتصاب خود در مقابل استانداری خوزستان هستیم. کارگران نیشکر هفت تپه از چند هفته قبل در اعتصابند و از نظر سیاسی این حرکت رو بجلو است و ما شاهد سخنرانی کارگر زنی از نیشکر هفت تپه هستیم که هم طبقه آیهایش را به ادامه مبارزه تا تحقق خواسته هایشان تشویق میکند. جوهر تمام این حرکتها از بر گرفتن حجاب دختران جوان تا اعتصاب کارگران در صحنه یکی است که به خیزش نان و آزادی و دست بردن به ساختارهای اقتصادی و سیاسی حکومت سرمایه جمهوری اسلامی گره خورده است. تحقق هر خواسته ایی در رابطه با این جنبشها تا تغییر بنیانهای سرمایه از نظر استراتژیکی تماما بستگی به هر

چه متشکل شدن این جنبشها و سازمانیافتن جنبش کارگری و متحد شدن آنها با هم است. در چنین شرایطی این حرکتها نتیجه خواهد داد.

گزارشگران:

**10. حدود یک دهه پیش سال 88 جنبشی توده ای هم شکل گرفت. مبارزه زنان در این جنبش بسیار چشمگیر بود و تعدادی از زنان هم کشته، دستگیر و زندانی شدند شما تفاوت مبارزات زنان در سال 88 با مبارزه و خیزش مردمی که دیماه گذشته اتفاق افتاده را چگونه ارزیابی میکنید؟**

در جنبش توده ای 88 زنان در سطح بسیار گسترده ای به خیابانها ریختند و فعالانه در این عرصه شرکت نمودند. در ابتدای شروع جنبش عمومی تحریکات زنان متأثر از سیاستهای اصلاح طلبان و جنبش سبز بود اما بمراتبی که جنبش به جلو صحنه می آمد و رو به جلو حرکت میکرد از حیثه هژمونی قانونگرایان مدنی خارج شده و خود سیستم نظام جمهوری اسلامی را به چالش می گرفت. آن چه اتفاق افتاد این بود که بخش بزرگی از زنان و بویژه بسیاری از نیروهای سابقا فعال در جنبش مدنی زنان به شکلی گسترده و تعیین کننده در جنبش توده ای جاری شرکت کردند و بخشی از آنها در طول این مبارزه کوتاه مدت به این نتیجه رسیدند که برای دست یابی به خواست های برابری طلبی و مدنی شان دست کم نیاز به تغییر ساختارهای سیاسی است. آن ها با توانایی های معینی در جنبش اعتراضی توده ای شرکت کردند، با نقش فعال و انکار ناپذیرشان در رادیکالیزه نمودن آن نشان دادند که برای دست یافتن به برابری جنسیتی و حقوق برابر با نظم و ساختار سیاسی حاکم مواجه اند و این مانع را باید از سر راه بردارند. آن تحلیل و نظری که حرکتهای اجتماعی برای کسب حقوق مدنی را از مبارزه برای تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی جدا می ساخت و سعی می کرد راهکارهای خود را ارائه دهد با اوج گیری و رادیکالیزه شدن جنبش توده ای به چالش گرفته شد. خط مشی لیبرالی که سیاست خود را بر مبنای اصلاحات آرام و تدریجی و با اتکاء به تغییرات قانون گرایانه بنیان نهاده بود و انتظار میرفت که در جنبش توده ای با همین مولودی حرکت زنان را تحت هژمونی خودش به حرکت وادارد، همواره با عروج یک جنبش توده ای روبرو گشت که مصمم به گذار از نظام حاکم بود. جنبش زنان با یک واقعیت انکارناپذیر روبرو شد، آنهم شرکت جمعهای گسترده ای از زنان بود که در ضمن اینکه خود جزیی از این حرکت رادیکال بودند اما در سمت و سو دادن آن هم نقش فعال داشتند و به این ارزیابی رسیدند که راهکاری که بمدت یک دهه ست که در جلو صحنه تحت نام جنبش مدنی، قرار گرفته و وعده و وعید می دهد و سعی کرده حرکات اجتماعی زنان را سازمان بدهد، قادر نیست این جنبش را به اهداف برابری طلبانه اش برساند. جایگاه تازه ای که زنان در جنبش توده ای مردم ایران علیه دیکتاتوری نظام حاکم در سال 88 یافتند تحولی کیفی در سیر پیشروی جنبش زنان ایجاد کرد و همین موجب شد دوران مسلط شدن خط مشی لیبرالی در جنبش زنان در ایران بدرجه ای بسیاری رنگ ببازد، و راه کارهای دیگری که تا کنون کمتر به تصور می آمدند و یا دشوار می نمودند ارائه داده شوند و امکان تحقق بیابند.

**خیزش مردمی** که در دیماه اتفاق افتاد، زنان با مشارکت خود در این خیزش نقش برجسته ایی تا کنون داشته اند، و با تمام سرکوبهای ارتجاع حاکم هنوز در صحنه اند نه تنها قابل تحسین است بلکه نشان از این دارد که اینبار این جنبش زنان با سال 88 متفاوت است. زنان اینبار با مقاومت و ایستادگیشان با طرح شعارهای رادیکال کل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را بدون توهم به این جناح و یا آن جناح به زیر سوال برده و به چالش کشیده اند. آنچه مسلم است این شروع مبارزه زنان برای حق و حقوق خود میباشد که چهار دهه است از طرف جمهوری اسلامی پامال شده و به یغما گرفته شده است. اما این مبارزه وظائف جدی پیش روی زنان و دختران جوان مبارز ما می گذارد و آن این است که این مبارزات پرآکنده نخواهد توانست به این اشکال برای دراز مدت تداوم یابد، نیاز مبرم به متشکل شدن دارد. از سوی دیگر این زنان در صحنه از طیفهای متفاوت تشکیل شده اند. اینکه بخش زنان کارگر و یا زنان بیکار و خانه دار در این اعتراضات بطور پیگیر شرکت دارند شکی در آن نیست، و از نظر منافع طبقاتی همگی متعلق به طبقه کارگر هستند. نقش این طیف از زنان در متشکل نمودن جنبش زنان با همکاری و نقش مستقیم جنبش کارگری نه تنها از اولویتها بلکه از الزامات این دوره از مبارزات زنان میباشد.

گزارشگران:

**11. تصور شما برای پیروزی و به سرانجام رسیدن مبارزات زنان تا رسیدن به برابری که در اشکال مختلف بروز می نماید، چیست؟**

امروزه می بینیم اعتراضات زنان با تمام سرکوبها و افت و خیزهایش در ردیف اول موضوعات مهم در ایران و جهان قرار گرفته است. آنچه ثابت شده است این است که تازه شروع کار است و زنان به این نتیجه رسیده اند، که فقط با نیروی مبارزاتی خود خواهند توانست خواستهای خود را به ارتجاع حاکم تحمیل نمایند. اما جنبش زنان و زنان کارگر

برای گرفتن خواسته‌های کوچک و بزرگ و پیشروی نیاز به متشکل شدن دارند. خواست متشکل شدن تنها خواست جنبش زنان نیست بلکه خواست تمام جنبشهای اجتماعی موجود در جامعه ایران است. اما جنبش کارگری از آنجائیکه نقش کلیدی در دست بردن و دگرگون نمودن بنیان های اقتصادی سرمایه را دارد، تنها جنبشی است که با ایفای نقش خود می تواند جنبشهای دیگری اجتماعی بویژه جنبش زنان کارگر را در پیوند با خود متشکل نموده و جنبش زنان در ارتباط با جنبش زنان کارگر متشکل شود. در ادامه این تشکلهای و پیوندها است که امر مبارزه طبقاتی رو بجلو پیشروی نموده و می تواند ضامن دگرگونی ساختاری نظام سرمایه جمهوری اسلامی بوده، و با برقراری نظام مالکیت جمعی، برابری را نه تنها برای زنان بلکه برای آحاد جامعه را تضمین کند.

**گزارشگران: چنانچه ناگفته ای باقی است بگوئید:**

من فکر میکنم در این برهه از روند مبارزاتی زنان مسئله تشکل یابی امری محوری است می خواهم بطور مختصر توجه را بدهم به بخشی از متشکل شدن زنان در طول تاریخ در سطح ایران و جهان. به این امید که مورد استفاده زنان مبارزمان قرار بگیرد.

" در آوریل ۱۸۷۱ در فرانسه هنگام تشکیل کمون پاریس " کمیته مرکزی شهروندان " که بعدها به نام " اتحادیه زنان برای دفاع از پاریس و مراقبت از زخمیان " نامیده شد توسط زنان کارگر و خیاط تشکیل شد. هزاران زن کارگر عضو این اتحادیه بودند که فعالانه از کمون دفاع می کردند. اما عمر کوتاه ۷۱ روزه اولین حکومت کارگری جهان، فرصت این را که خواسته های زنان به طور مشخص مطرح و پی گیری شوند نداد. اتحادیه زنان نیز در واقع در راستای اهداف عمومی جنبش که همان دستیابی به حکومت کارگری بود فعالیت می نمود.

سابقه شکل گیری اولین انجمن ها و تشکل های زنان در ایران نیز همگام است با رشد سرمایه داری و ورود به دوره تدارک انقلاب مشروطه. در واقع طی همین دوره است که اولین سازمانهای زنان به طور مخفی شکل گرفتند. البته این تشکل هادر ابتدا به طور مشخص و آشکار به دنبال کسب حقوق زنان نبودند، بلکه در پیوند با جنبش مشروطه فعالیت می کردند. وضع اسفناک زنان ایرانی در دوران حاکمیت فئودالیسم در ایران و آگاهی از اخبار فعالیت ها و مبارزات این بخش از جامعه در کشورهای اروپایی و آمریکا و همچنین امتیازاتی که زنان در پی پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه به دست آوردند، به مرور زمینه ساز ایجاد تشکل های زنان با هدف بهبود وضعیت آنان گردید. به این امید در این دوره هم زنان مبارز ما چه زنان کارگر و غیر کارگر دستاوردهایی که انقلاب اکتبر برای زنان به همراه داشت و در همه ی عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی حقوق زن و مرد برابر اعلام شد را الگوی مبارزاتی خود قرار دهند و تا رسیدن به این دستاوردها از پای ننشینند.

تاسیس انجمن خُریت زنان در سال ۱۲۸۶، انجمن مخدرات وطن در سال ۱۲۹۰ توسط صدیقه دولت آبادی، انجمن شکوفه در ۱۲۹۲ توسط مریم عمید مزین السلطنه، انجمن پیک سعادت نسوان در ۱۳۰۰ توسط روشنگر نوعدوست، مجمع انقلابی نسوان در سال ۱۳۰۶ توسط زندخت شیرازی و جمعیت نسوان وطنخواه توسط جمعی از زنان روشنفکر، از جمله محترم اسکندری، تنها نمونه هایی از تشکل های اولیه زنان در ایران می باشند. اهداف این سازمان ها عمدتاً ارتقاء آموزش زنان بود و گاه از این فراتر رفته و در پاره ای موارد خواهان حق رای و کشف حجاب نیز بودند. "

من در آخر این مطلب این شعر زیبای نان و گل سرخ را بمناسبت 8 مارس به تمام همزمان زخم تقدیم میکنم.

## نان و گل سرخ (نان و زندگی بهتر)

به پیش، خواهران من، به پیش

بانگ صدای ما رسا است.

از جای بر کنیم،



نرده آشپزخانه های دود گرفته،  
و کارخانه های بی روح را،  
بسوی روز روشن و نورانی گام بر داریم.  
همه با هم بخوانیم نان و زندگی بهتر، نان و زندگی بهتر  
به پیش، خواهران من،  
مبارزه ما نیز، برای مردانی است،  
که برای ما کودک می سازند،  
ولی خود همیشه کودک ما هستند  
دیگر بس است،  
زندگی جانوری برای تکه ای نان،  
ما زندگی بهتر می خواهیم.  
به پیش، خواهران من،  
بر گور زنان بیشماری، که برای نان فریاد کشیدند.  
نه زیبایی، نه عشق، بیگاری برای همه  
بکوشیم برای زندگی بهتر.  
نه تنها برای نان  
به پیش خواهران من، به پیش،  
روزهای بهتر در راه است.  
ما همه را،  
بدنبال آرمان والای خود خواهیم کشاند.  
دیگر بس است،  
بهره کشی،  
رنج ده تن، آسودگی یک تن.  
برای هر کس، نان و زندگی بهتر  
نان و زندگی بهتر.  
با سپاس از شما

گزارشگران

07.03.2018